

صف اول «اصلاح الگوی مصرف»

نریز و نیاش

با تعامل دولت و مردم و با حذف بریز و بپاش‌های بی‌مورد، می‌توان به سطحی از استانداردهای معقول مصرف دست پیدا کرد.



بار مصرف باشد؛ مخصوصاً در کالاهای سرمایه‌ای. بالطبع با وقوع بحران حاضر و از دست دادن بازارهای جهانی برای تولیدکنندگان - به دلیل کاهش سطح تقاضا - سطح تولید نیز کاهش یافته، اما این به آن معنا نیست که مصرف‌کننده، سطح تقاضای خود را به صورت دائمی کاهش خواهد داد. در حال حاضر با توجه به حقوق مصرف‌کننده، بحران جهانی، کاهش نقدینگی و محدودیت بودجه مصرف‌کننده، تولیدکننده به این مسأله فکر می‌کند که کالایی را تولید کند که حتماً از سوی مصرف‌کننده خریداری شود. لذا تولیدکننده‌ها در کشورهای درگیر با بحران با اتخاذ رویکردهای جدید، سعی در جانشینی کالاها و توجیه پذیر نمودن مصرف نموده و با اتخاذ رویکردی جدید (مثلاً تغییر بسته‌بندی و یا امثال آن)، سعی می‌کنند تا سطح فروش خود را افزایش دهند.

اقتصادیاری: پیامد فرمایش جنابعالی در قبال بحران جهانی و سطح کنونی مصرف، نقش بانک‌ها، مؤسسات مالی و دولت را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

بانک‌ها و مؤسسات مالی نقش پُراهمیتی در این مسأله دارند. در حال حاضر، مهمترین مسأله تجار کشور، مسأله تأمین نقدینگی آنها می‌باشد. در این راستا، دولت باید سیاست‌های خود را اعم از سیاست‌های پولی، مالی و ارزی مشخص نماید تا متناسب با این سیاست‌ها، بانک‌ها بتوانند در حوزه فعالیت خود - نه فقط صرف فعالیت‌های اقتصادی - به بخش‌های اقتصادی جامعه نظیر صنعت، کشاورزی، خدمات و بازرگانی کمک کنند تا هزینه‌های مالی کاهش پیدا کرده و به گردش اقتصاد و اصلاح چرخه مصرف کمک شود.

اقتصادیاری: مهمترین موانع و مشکلات و راهکارهای پیشنهادی شما در راه اصلاح بهینه ساختار مصرف در کشور چه می‌باشند؟

برای اصلاح ساختار مصرف، لازم است تا باورهای مردم در رعایت الگوی مصرف تغییر یابد و همه مردم از جمله دولت، صنعتگران، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان با رعایت الگوهای صحیح مصرف در کنار هم و در حل مسایل مختلف اقتصادی فعالیت داشته باشند. در این راستا، دولت باید نظام توزیع را به طور کامل اصلاح کند و سیاست‌های خود را شفاف به مردم بگوید. چراکه با بخشنامه و دستورالعمل نمی‌تواند مردم را اجبار به مصرف و یا عدم آن نماید. مردم نیز باید در کنار دولت و پس از اصلاح الگوی مصرفی دولت، به اصلاح مصرف شخصی و رسیدن به سطحی متعادل از مصرف دست یابند. رسانه‌ها نیز لازم است دست به دست هم دهند تا ان‌شاءالله با عزم ملی بتوان به اهداف مهم اصلاح الگوی مصرف دست یافت.

اقتصادیاری: متشکریم.

این مسأله را در نظر داشتند که سال جاری را سال «اصلاح الگوی مصرف» نام‌نهادند، نه «کاهش میزان مصرف».

سرانه مصرف در رأس بررسی

دولت به عنوان عظیم‌ترین بنگاه اقتصادی کشور، در سال ۸۷ درآمدی معادل ۴۹۱ هزار و ۳۰۳ میلیارد ریال داشته است. بر اساس آخرین گزارش بانک مرکزی، هزینه مصرفی بخش دولتی در سال ۸۶ رقمی معادل ۲۹۶ هزار و ۷۹۴ میلیارد ریال بوده که این رقم نسبت به سال گذشته با ۲ درصد رشد همراه بوده است. این در حالی است که با توجه به خصوصی‌سازی‌های صورت گرفته، رشد مصرف دولتی، مناسب به نظر نمی‌رسد. با تأمل در ارقام فوق به راحتی در می‌یابیم که دولت - به عنوان اولین نهاد اجرایی و در عین حال مصرفی کشور - می‌بایست در صف اول اصلاح الگوی مصرف قرار گیرد. متأسفانه همواره دولت‌های بر سرکار کشورمان به افزایش و رشد بودجه عمومی خود اندیشیده‌اند و تنها آن را صرف پرداخت‌های جاری خود نموده‌اند. نگاهی به آمار و ارقام تشکیل سرمایه در مقابل رشد بودجه عمومی دولت، مؤید این مطلب است. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»،

در این که در کشور ما مصرفی نامتعادل و بیش از حد استاندارد وجود دارد شکی نیست. اما راهکار حل این معضل چیست؟ به طور حتم، اصلاح الگوی مصرف از بهترین راهکارهای موجود در مسیر بهبود این معضل می‌باشد، اما چگونه؟ یقیناً هدف از نام گذاری سال جاری به اصلاح الگوی مصرف، تغییر ساختار مصرفی کشور و رساندن آن به حد استاندارد است. با وقوع بحران مالی جهانی که پس لریزه‌های آن کماکان تقاضای کل را در سطح جهان کاهش می‌دهد، می‌توان سالی سختی را برای مردم کشورمان پیش بینی کرد. اکثر کشورهای دنیا با تخصیص اعتبارات و تسهیلات پولی و مالی و اعطای وام‌های گوناگون در پی کاهش نرخ‌های بهره، به دنبال تحریک طرف تقاضا می‌باشند تا بتوانند از شرایط رکودی فاصله بگیرند. کشور ما نیز به عنوان عضوی از جامعه جهانی - هرچند با تعاملات اندک - از این بحران مصون نبوده و با وقفه‌ای چند ماهه، در سال جاری شاهد حضور رگه‌های اصلی بحران جهانی در کشور خواهیم بود. حال با این توضیح کوتاه مشخص می‌گردد که کاهش مصرف، چه عواقب زیان‌باری را برای توسعه و رشد اقتصادی کشورهای دنیا خواهد داشت. بر این اساس، مقام معظم رهبری نیز با بینش عمیق خود،

بودجه عمومی دولت از سال ۸۳ تا ۸۷ رشدی معادل ۷۵/۷ درصد داشته که پیش بینی می شود در سال ۸۸ نسبت به سال گذشته با ۱۲/۰۹ درصد رشد همراه باشد. اما در این بازه زمانی (سال های ۸۳ تا ۸۷)، تشکیل سرمایه در کشور تنها ۲۶/۳ درصد رشد داشته است که این امر نشان می دهد علیرغم رشد فزاینده بودجه عمومی در سال های اخیر، تنها این مخارج جاری دولت بوده که افزایش یافته است.

پرداخت های حق الزحمه ای و مزایای گوناگون سازمانی به کارمندان دولت، در کنار سیاست های پولی غلط دولت و ناکارایی نظام بانکی - که بخش عظیمی از افزایش تورم سال های اخیر، به همین دلیل بوده است - سبب افزایش میل نهایی به مصرف و روند مصرف گرایی در جامعه شده است. در این راستا، به گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، میل نهایی به مصرف جامعه در سال ۸۶ برابر با ۰/۵۶ بوده است که این امر اصلاح سیاست های اتخاذی را از سوی دولت و مصرف کنندگان در جهت کنترل روند مصرف گرایی در جامعه طلب می کند.

مشکل چیست؟

بر اساس گزارش مؤسسه مارکت اوراکل (The Market Oracle)، متوسط مصرف سوخت خودروهای بنزینی در کشورهای همچون ایالات متحده، ژاپن و کانادا به ترتیب ۳/۷، ۵/۰ و ۵/۴ لیتر در روز می باشد. بر اساس همین گزارش، متوسط سوخت خودروهای بنزینی در کشورمان برابر با ۱۰/۵ لیتر در روز است که شدت مصرف انرژی را در ایران به ۱/۷ - نزدیک به ۲ برابر شدت مصرف انرژی در کشور پُرجمعیتی همچون چین - رسانده است. پرواضح است که مصرف در ایران از حد استاندارد جهانی خارج است. اما اگر دولت به جای حمایت بی مورد خود که سالیان متمادی است از بخش خودروی داخلی نموده، با سیاست حمایت کوتاه مدت - که جامعه جهانی هم آن را تأیید می نماید - در جهت افزایش کیفیت

محصولات داخلی اقدام نماید، به طور حتم آرایه خودروهای با کیفیت در کشورمان که سرانه مصرف بسیار پایینی را در مقایسه با خودروهای امروزی داشته باشد، می تواند به کاهش گسترده و صد البته اقتصادی مصرف انرژی بینجامد.

البته بخش خانگی را هم نباید از یاد برد. بر اساس تحقیقات کارشناسان ماهنامه «اقتصاد ایران»، بخش خانگی بیش از ۳۰ درصد از کل مصرف انرژی کشور را در سال به خود اختصاص می دهد. در این راستا، اخذ گواهینامه های مختلف کیفیت برای سازه ها، در کنار راه حل استفاده از برچسب های انرژی که اثرات قابل توجهی را در کاهش مصرف انرژی در وسایل و لوازم خانگی پدید آورده است، می تواند به عنوان راه چاره ای برگزیده شود. در بخش منابع آبی نیز بر اساس اعلام بانک جهانی، الگوی مصرف برای هر نفر، یک متر مکعب و برای بهداشت ۱۰۰ متر مکعب در سال می باشد که کشور ما، رقمی در حدود ۷۰ درصد بیشتر از این سطح استاندارد مصرف می کند.

از دیگر کالاهایی که مصرف آن بیش از سطح استاندارد و به تعبیر مناسب تر، به گونه ای اسراف آمیز مورد استفاده قرار می گیرد نان است. تحقیقات «اقتصاد ایران» از آمارهای کشور، نشان می دهد سرانه مصرف نان در ایران، سالانه در حدود ۱۶۰ تا ۲۰۰ کیلو گرم می باشد که این میزان در حدود ۲/۵ برابر سرانه مصرف در قاره اروپا است. بر این اساس، سالانه ۳۰ درصد از گندم تولیدی در کشور که رقم ۳ میلیون تن خواهد بود به هدر می رود. همچنین در کشورمان، سالانه یارانه ای در حدود ۴۰ هزار میلیارد ریال برای مصرف ۹ میلیون تن آرد نان پرداخت می شود. آرایه نان بی کیفیت که درصد بالایی از آن قابل مصرف نیست، از دلایل مهم این سطح از اسراف است. تبدیل و تعویض نانواپی های سنتی به صنعتی و نظارت مستمر بر کیفیت تولید می تواند راهکاری مناسب قلمداد شود. در این راستا، تأسیس سازمان «نظارت بر

کیفیت» - که البته به دلیل بهره وری پایین و مخارج سرسام آور بخش دولتی، می باید برگزیده از بخش خصوصی باشد - در کنار وظیفه اصلی خود، یعنی نظارت و اعطای گواهینامه های کیفیت، به طور حتم در روند کنترل کیفی این محصول مثرتر خواهد بود.

هدایت مصرف

بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، دهک های پایین جامعه کشورمان رقمی در حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از درآمد خود را صرف نیازهای اولیه خود از جمله غذا و مسکن می نمایند. بر این اساس، نمی توان انتظار کاهش مصرف در این سطح و دهک درآمدی کشور را امری منطقی دانست، چراکه بودجه محدود دهک های پایین، عملاً اجازه استفاده بی مورد را به این دسته نخواهد داد. اما تقاضای دهک های بالای درآمدی که با سیاست های غلط دولتی در جهت واردات کالاهای لوکس عجین شده است، به راحتی قابل تغییر نمی باشد. دولت نمی تواند مردم را مجبور به مصرف محصولی خاص نماید. بر طبق نظریه مصرف دوزنبری، مصرف کننده در هنگام کاهش درآمد، به همان اندازه سطح مصرف خود را کاهش نخواهد داد و بر اساس تقاضای سابق، از پس انداز برای پاسخ به نیازهای خود بهره می برد.

دولت می باید با تبلیغات گسترده از طریق رسانه ها و در رأس آن، رسانه ملی به تبلیغ و آموزش طرح «هدایت مصرف» اقدام نماید. متأسفانه زمانی نه چندان دور شاهد تابلوها و تیزرهای تبلیغاتی در سطح شهر بودیم که بعضاً بر روی آنها حک شده بود «استفاده از کالای خارجی برابر است با بیکاری ۵ هموطن». اما متأسفانه به طور کاملاً ناگهانی، شاهد توقف آن و آغاز سیل عظیم و گسترده واردات کالا شدیم که همگی به سیاست های نادرست دولت - از جمله سیاست ارزی - و نابه هنجاری اقتصاد کشور و البته - بعضاً - وجود روابط به جای ضوابط بر می گردد. در این راستا، تأسیس صندوق «هدایت مصرف» توسط بخش خصوصی و با نظارت قانونی از سوی دولت در جهت اخذ مالیات از کارخانه ها، صنعتگران و تولیدکنندگان بی بازده دولتی - که سالیان متمادی از حمایت دولت برخوردار بوده اند - و تزریق منابع این صندوق به تولیدکنندگانی که برای گسترش سطح تولید و خدمات خود نیازمند حمایت کوتاه مدت می باشند، می تواند اقدامی پُراهمیت در جهت تقویت تولید داخل و کاهش وابستگی به کالاهای وارداتی (با حمایت ارزی) و در کنار آن پاسخ به تقاضای گروه مصرف کننده باشد.

این اقدام خود به خود در طول سالیان متمادی به افزایش پس انداز ملی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی منجر خواهد شد که این طریق می تواند به کاهش سطح عمومی قیمت ها نیز بینجامد. ■

